

*** روسیه و حاکمیت کمونیست ها (اقدامات لنین)**

۱- تشکیل حکومت کمونیستی بر پایه شوراهای کارگران و کشاورزان به نام «سویت» توسط لنین (اتحاد جماهیر

شوروی)

۲- انتقال پایتخت از پتروگراد به مسکو

۳- تشکیل مزارع اشتراکی به نام «کالخوز» برای از بین بردن مالکیت فردی

۴- مجاز شمردن حدی از مالکیت خصوصی طی سیاست جدید اقتصادی مشهور به «نپ» در سال ۱۹۲۱م

استالین: (جانشین لنین در سال بعد از مرگ لنین ۱۹۲۴م)

۱- بیرون کردن رقیبان با استفاده از سازمان امنیت دولتی KGB

۲- فشار آوردن به کارگران جهت تبدیل املاک آنها به مزارع اشتراکی (کشتن ۱۰ میلیون نفر و تبعید آنها به سیبری)

۳- سازش با آلمان جهت تقسیم کشور لهستان

*** ایتالیا و حکومت فاشیستی**

روزنامه نگاری به نام موسولینی حزب فاشیسم را در ایتالیا تشکیل داد.

ادعای او: احیا عظمت روم باستان برای ایتالیا

موسولینی با نخست وزیر شدن لقب «دوچه، پیشوا» را از پادشاه ایتالیا گرفت.

شیوه حکومت او: نژادپرستانه

کشورهای «آلمان»، «ایتالیا» و «ژاپن» دولت های محور را تشکیل دادند که در ظاهر هدفشان مبارزه با کمونیسم بود.

*** آلمان و ظهور هیتلر**

مشکلات آلمان: ۱- خطر کمونیسم داخلی ۲- غرامت های قراردادهای ورسای

و عده هیتلر عضو حزب ناسیونالیسم سوسیالیست (نازی):

۱- لغو قرارداد ورسای ۲- ایجاد فضای حیاتی

در سال ۱۹۳۳ حزب نازی اکثریت کرسی های مجلس آلمان را بدست گرفت و هیتلر به دستور هیدنبورگ رئیس

جمهور آلمان شد و بعد از مرگ او لقب «پیشوا» به خود داد.

اقدامات هیتلر:

۱- لغو پیمان ورسای در سال ۱۹۳۵م

۲- اشغال ناحیه رنانی در مرز آلمان و فرانسه

۳- پس گرفتن ناحیه زغال سنگ خیز «سار» از فرانسه

۴- ایجاد خط دفاعی زیگفرد در مقابل ماژینو

۵- کنترل تورم به کمک دکنتر ساخت وزیر اقتصاد

۶- احیا صنایع آلمان به کمک کمپانی «کروپ»

شعار هیتلر: برتری نژاد ژرمن / هدف هیتلر: تجدید عظمت آلمان

*** بحران های جهان در میان دو جنگ**

الف: اسپانیا و جنگ داخلی: در ۱۹۳۱ آلفونسو سیزدهم پادشاه اسپانیا بر اثر قیام جمهوری خواهان از کشور فرار کرد اما سلطنت طلبی به نام مارشال فرانکو به کمک موسولینی و هیتلر وارد کشور شد و جنگ داخلی بزرگی را در اسپانیا شروع کرد. در مقابل شوروی و فرانسه که طرفدار جمهوری خواهان بودند با فرستادن سلاح به اسپانیا چریک های کمونیست را تقویت می کردند.

نتیجه: بعد از کشته شدن یک میلیون نفر مارشال فرانکو در ۱۹۳۹ قدرت را در دست گرفت.

ب: اتریش:

از آنجا که هیتلر اتریشی بود خواهان الحاق اتریش به آلمان یود که با برگزاری رفراندوم (همه پرسی) در ۱۹۳۸ میلادی اعلام شد اتریش به آلمان ملحق شد.

ج: چک و اسلواکی:

هیتلر خواهان الحاق منطقه آلمانی نشین چک و اسلواکی به آلمان شد.

طی کنفرانس مونیخ (۱۹۳۸ م) که نمایندگان ایتالیا، فرانسه و انگلستان موافقت کردند که منطقه «سودت» چک و اسلواکی به آلمان داده شود اما هیتلر تمام چک و اسلواکی را اشغال کرد.

* آسیا در بین دو جنگ

۱- در ابتدای دهه چهارم قرن بیستم ژاپن به بهانه پیدا کردن فضای حیاتی به منچوری لشکر کشید و بخشی از چین را اشغال کرد.

۲- رئیس جمهور وقت چین (چیان کای شک) مجبور بود هم با ژاپنی ها بجنگد و هم با نیروهای «مائو» رهبر حزب کمونیست چین که مخالف او بود.

ژاپن در فکر تأسیس یک دولت آسیایی نیرومند از جامعه ملل نیز خارج شد.

۳- در هندوستان «گاندی» برای آزادی و استقلال هند تلاش می کرد.

۴- عراق به رهبری فیصل اول با سپردن تعهداتی به انگلستان مستقل گردید.

۵- در اردن شریف حسین هنوز تحت سلطه انگلستان حکومت می کرد.

۶- در نجد و حجاز (عربستان) حکومت آل سعود تشکیل شد.

* آفریقا در بین دو جنگ

۱- تنها سه کشور مستقل وجود داشت.

۲- پس از شکست آلمان در جنگ اول جهانی مستعمرات آلمان نصیب انگلستان شدند و فرانسه نیز کامرون را تصاحب کرد.

۳- در شمال آفریقا کشور مصر در زمان ملک فؤاد اول با شرایطی خود را از قید استعمار انگلستان رها کرد.

۴- لیبی هم چنان تحت سلطه ی استعمار ایتالیا بود و عمر مختار در راه آزادی لیبی در سال ۱۹۳۱ به شهادت رسید.

۵- تونس و مغرب نیز که تحت سلطه ی فرانسه بودند بعد از جنگ جهانی دوم به استقلال رسیدند.

تنها بحرانی که در فاصله بین دو جنگ در قاره ی آفریقا اتفاق افتاد و در تضعیف جامعه ی ملل بسیار مؤثر بود تجاوز لشکریان موسولینی به حبشه و فرار امپراتور این کشور در سال ۱۹۳۶ به خارج بود.

بی اعتنائی دیکتاتور ایتالیا به جامعه ی ملل و خروج این کشور از این مجمع جهانی در ارتباط با موضوع حبشه این جامعه را عملاً در صحنه ی جهانی بدون اثر و فاقد قدرت جلوه داد .